



باسمه تعالی

## جمع بندی مباحث گذشته و بررسی اشکال محقق خوئی به مشهور درباره «حقیقت امر و نهی»

### جمع بندی مباحث اصلی ماده نهی

قبل از شروع بررسی فرمایشات محقق خوئی، مباحثی که تا کنون در ارتباط با ماده و صیغه نهی بیان شد را جمع بندی خواهیم نمود.

### نکته اول، اصولی بودن ماده نهی

ماده نهی ملاک مساله اصولی را دارد. چه مبنای مشهور یعنی مبنای شیخ اعظم و مبنای آخوند، ملاک قرار داده شود و چه مبنای مختار ملاک قرار داده شود، باز اثبات شد که ماده نهی این ملاک مساله اصولی را دارد. ملاک مختار بر اساس میز علوم به عنوان مجموعه گزاره ها و از طریق نسخه به عنوان جامع تصویر شد.

### نکته دوم، عقلی بودن ظهور ماده نهی در حرمت

ماده نهی ظهور عقلی در حرمت دارد بدون آن که حرمت موضوع له یا مستعمل فیه ماده نهی باشد. این مطلب با بحث های مفصلی که در مدرسه محقق نائینی و مدرسه محقق بروجردی با تکمله حضرت امام انجام شد، اثبات گردید.

### نکته سوم، موضوعیت نداشتن لفظ در حکم عقل

برای شکل گیری حرمت عقلی یا وجوب عقلی، به بعث و زجر اعتباری (بنابر مسلک مشهور) یا طلب ایقاعی (بنابر مسلک آخوند) نیاز هست. بعث و زجر اعتباری یا طلب ایقاعی که موضوع حکم عقل بر حرمت و وجوب است، در فعل تکوینی و خارجی مولا نیز می تواند محقق شود. پس تحقق موضوع عقل لزوماً نیازی به لفظ ندارد و حتی استعمال لفظ از باب تنطق که فعل مولا است موضوع را محقق می کند.

## نکته چهارم، اماره بودن حکم عقل به حرمت در ماده نهی

حکم عقل به حرمت، در ماده نهی یا حکم عقل به وجوب، در ماده امر؛ از باب اماره است نه از باب اصول عملیه. وجه اماره بودن این حکم چنین بیان شد که در محل بحث، زجر و بعث محرز است؛ برخلاف اصول عملیه که در آن، احتمال بعث و زجر مطرح است.

## نکته پنجم، لفظی بودن امر و نهی با عنایت به مسأله ماده امر و نهی

می توان مسئله ظهور ماده نهی یا ظهور ماده امر را در مبحث الفاظ اصول قرار داد. این امکان حتی در فرضی که فعل مولا در موضوع حکم عقل دخیل باشد، وجود دارد. زیرا ماده امر و ماده نهی عناوینی هستند برای فعل مولا. پس مولا چه با بعث خارجی امر کند، چه تنطق به صیغه افعال کند، چه تنطق به جمله خبریه کند و چه اشاره کند؛ در همه این موارد گفته می شود مولا امر کرده است. حال که «امر» یا «نهی»، عنوانی برای بیان فعل مولا شدند، چون این عناوین خودشان یک عنوان لفظی هستند، در نتیجه می توان این بمباحث را در باب الفاظ قرار داد.<sup>۱</sup>

بر اساس این پنج نکته<sup>۲</sup>، تمرکز بحث اصولی ما دیگر بر سر صیغه نیست بلکه بر سر ماده است. ملاک مسئله اصولی، در ماده است. ملاک تبویب، ماده است. ماده است که موضوع حکم عقل است و مصادیقی دارد. اگر این سیر به خوبی مورد توجه قرار گیرد، هم با مسلک آخوند و هم با مسلک شیخ و هم با مسلک مختار خودمان، یک مسئله اصولی خواهیم داشت. همچنین یک ظهور عقلی داریم که می توانیم آن را در باب الفاظ قرار دهیم.

## نکته ششم<sup>۳</sup>، بررسی امتیازی که برخی برای صیغه قائل شده اند

این نکته هم به ابعاد سابق بحث تعمیق می دهد و هم مقدمه ای است برای بحث بعدی که فرمایشات محقق خوئی است.

<sup>۱</sup> در عین حال می توان گفت امر ظهور عقلی دارد در وجوب. کدام امر؟ یعنی همزه، میم، را. نهی ظهور عقلی دارد در حرمت. کدام نهی؟ یعنی نون، هاء، یاء. و ما نگرانی با مصادیق این ها نداریم و با مصادق کار نمی کنیم.

<sup>۲</sup> این پنج نکته بسیار مهم در یک سیر فنی اثبات شد و شروع این سیر از بعد از بحث مطلوب در نهی بود.

<sup>۳</sup> نکته ششم که خیلی برای ما مهم و اساسی است.

بعضی از آقایان - از تلامذه محقق نائینی - در مسئله وجوب یا حرمت وقتی می خواهند مسئله حکم عقل را مطرح کنند و اثبات کنند که وجوب، نه موضوع له است و نه مستعمل فیه؛ نکته ای را درباره صیغه اضافه می کنند.

برای مثال آقای مظفر خیلی صریح در اصول فقه این نکته را بیان می کنند. به نظر ایشان وجوب نه موضوع له است و نه مستعمل فیه. و این حالت هم در ماده است و هم در صیغه. ولی امتیاز صیغه این است که چون وجوب، معنای اسمی است؛ قطعاً برای صیغه نمی شود گفت وجوب مستعمل فیه یا موضوع له آن است.

با توجه به بحث هایی که قبلاً مطرح کردیم، ثابت شد که موضوع حکم عقل «فعل» است. و این نکته، هم در ماده امر، هم در صیغه امر، هم در ماده نهی و هم در صیغه نهی، وجود دارد. اما ایشان در خصوص صیغه نکته ای را اضافه می کنند. این نکته، فی نفسه نکته درستی است و برای نقد فرمایش آقای صدر رضوان الله تعالی علیه که مسلک تبادل را دارد خوب است. زیرا آقای صدر اصرار دارند که متبادر از صیغه وجوب است<sup>۴</sup> و صیغه برای وجوب وضع شده است. در این صورت باید این اشکال را جواب بدهند که وجوب معنای اسمی است، در حالیکه بنا به مسلک مشهور صیغه معنای حرفی دارد. بنابراین این سخن مرحوم مظفر درباره صیغه نهی، تعریض به دیدگاه شهید صدر محسوب می شود.

به نظر ما این حرف، از یک حیث حرفی خوبی است و از حیث دیگر حرف متوسط و ضعیفی است. این حرف، برای رد آقای صدر و برای رد آن هایی که می خواهند بگویند متبادر از صیغه نهی، حرمت است و در حرمت استعمال شده است، حرف خوبی است. زیرا در مقام رد ادعای آنها گفته می شود صیغه که معنای حرفی است، چگونه برای حرمت وضع می شود و در حرمت استعمال می شود؟<sup>۵</sup>

پس این حرف آقای مظفر در تایید مبنای استادشان محقق نائینی<sup>۶</sup> برای رد آقای صدر، حرف خوبی است. اما بر اساس نکاتی که اثبات کردیم، حرف ضعیفی است. زیرا با توجه به آن پنج نکته، اثبات شد که مسئله اصولی اصلاً صیغه نیست. بلکه مسئله اصولی ماده امر است. چون اگر بخواهیم مسئله اصولی را صیغه بدانیم حقیقتاً نمی توانیم

<sup>۴</sup> قبلاً خواندیم آقای صدر سه مسلک مطرح می کند و می گوید: ۱. تبادل قول مختار من است. ۲. آقای نائینی: عقل. ۳. آقای آقا ضیاء: اطلاق.

<sup>۵</sup> البته بنا بر مسلک مشهور نه مسلک آخوند. چون آخوند معتقد بود: عام و عام خاص، یعنی حروف مانند اسماء هستند در مرحله موضوع له و مستعمل فیه. فعلاً با مسلک مشهور داریم حرف می زنیم.

<sup>۶</sup> مبنی بر این که وجوب و ندب، حرمت و کراهت، نه موضوع له هستند و نه مستعمل فیه

این را جزء امارات لفظی قلمداد کنیم و باید آن را در امارات عقلی قرار دهیم. بدین نحو که تنطق و فعل بشود موضوع، اماره هم بشود اماره عقلی.

در مجموع با توجه به تحلیلی که ارائه شد، این فرمایش آقای مظفر در مدرسه مشهور - که ماده را مبدأ تصدیقی می‌دانست، اما صیغه را مسئله اصولی می‌دانست - حرف خوبی است. بر اساس این مدرسه ایشان با صیغه کار می‌کنند و می‌فرمایند صیغه نمی‌تواند موضوع له برای معنای اسمی یا مستعمل در معنای اسمی باشد. اما بر اساس مبنای مختار که مساله اصولی را ماده نهی دانستیم؛ این حرف، حرف خوبی نیست. پس می‌توان گفت فرمایش بعضی از تلامذه آقای نائینی که فقط هم آقای مظفر نیستند به عنوان مویدی برای مبنای استاد در بحث صیغه، بنابر مدرسه خودشان شاهد خوبی است. لکن بنابر مبنای مختار چنین نیست.

### **نکته هفتم<sup>۷</sup>، تبیین مطلوب در نهی با توجه به ماده نهی نه صیغه نهی**

نکته هفتم این است که مبنای بحث شده در ماده نهی، در بحث مطلوب در نهی نیز تاثیر می‌گذارد. در مطلوب در نهی، استاد بزرگوار ما حضرت آقای فاضل رضوان الله تعالی علیه، مرحوم آقای مظفر و خیلی‌ها، قائل اند که نمی‌توان گفت مطلوب عدم است. برای این مدعا استدلال زیبایی هم مطرح می‌کنند. این بزرگواران می‌گویند نهی یعنی «لا تفعل» و امر یعنی «افعل» و فرق «افعل» و «لا تفعل» در ماده نیست بلکه در هیئت است. ماده طبیعی است و ماهیت است. در اینجا این سوال را مطرح می‌کنند که پس چگونه در امر این ماده می‌شود وجود و در نهی این ماده می‌شود عدم؟ اگر «افعل»، با «لا تفعل» مقایسه شود، هیئت «افعل» بعث است و هیئت «لا تفعل» زجر است. چگونه گفته می‌شود در امر زجر خورده است به وجود و در نهی زجر خورده است به عدم؟ لذا باید در هر دو یک چیز در نظر گرفته شود.

باز مشاهده می‌شود که این حرف، حرف خوبی است اما نزد کسانی که صیغه را مبنای بحث قرار داده‌اند. ولی اگر مسئله اصولی، ماده شد؛ فرمایش بسیار خوب محقق خوئی را می‌پسندیم.<sup>۸</sup> محقق خوئی رضوان الله تعالی علیه در بحث مطلوب این گونه استدلال نکرد. چون این استدلال بسیار قشنگ استادمان حضرت آقای فاضل یا مرحوم آقای مظفر و خیلی کسان دیگر، دو اشکال دارد:

<sup>۷</sup> این‌ها دیگر فروع فروع این زحمت علمی است که ما به شما دادیم.

<sup>۸</sup> قبلاً هم این را گفته بودم، بعد گفتم: تفصیلاًش می‌آید. الان به تفصیل رسیدیم.

۱. استدلال اثباتی است یعنی مفاد اثباتی صیغه را بررسی می کند. آنچه در این استدلال مورد توجه است این است که صیغه هیئتش چیست و ماده اش چیست؟ پس اشکال اول این است که اثباتی است و توجه به ثبوت مساله ندارد.

۲. همین استدلال اثباتی منحصر در بحث صیغه است. در نتیجه اگر امر و نهی با غیر از صیغه مطرح شود مثلاً امر و نهی با بعث و زجر خارجی محقق شوند، نمی توان به این استدلال تمسک کرد.

اما در مسلک مختار، این اشکالات وجود ندارد. فرمایش آقای خوئی زیبا است. بیان ایشان چنین بود که امر داریم و امر بعث است. نهی داریم و نهی زجر است. دیگر نمی گفت بحث در مورد صیغه است و اینکه هیئتش چیست و ماده اش چیست؟

توضیحاتی که قبلاً بیان شد، به خوبی نشان می دهد که ارتکاز آقای خوئی این جا واقعاً خوب عمل کرده است و مسئله را برده است سر آن مسئله اصولی ما. یعنی مساله اصولی در امر همان «همزه میم را» است و در نهی همان «نون هاء یاء». با این نگاه، بحث اثباتی نمی شود بلکه ثبوتی خواهد بود.

به همین دلیل گفتیم این حرف خیلی خوبی است فقط ذیلش یک ضعفی داشت که ما قبلاً ضعف کلام آقای خوئی را اصلاح کردیم. آقای خوئی در ذیل کلام خود، می خواست حرف مشهور را بگوید. ایشان در این فراز می گفت مصلحت الزامی بر ترک نیست. بلکه مفسده در فعل است و معتقد بودند تلامذه آخوند به همین خاطر که مصلحت الزامی در ترک نیست، قائل بودند که طلب نمی تواند به ترک بخورد بلکه مفسده الزامی در فعل است و باید گفت زجر از وجود شده است.

قبلاً گفته شد که با این بیان کانه حیث عدم و لا شیئیت عدم خراب می شود. در نتیجه بهتر است ایشان اینگونه بگویند که امر، امر است و نهی، نهی است. امر بعث است و نهی زجر است. در هر دو هم با وجود کار می کنیم چون عدم لا شیء است. ولی این ضعف ذیل فرمایش آقای خوئی، آن حسن کار ایشان را که مساله اصولی را امر یعنی «همزه میم راء» و نهی یعنی «نون، هاء، یاء» قرار دادند نه صیغه امر، خراب نکرد.

پس نکته هفتم ما این بود که بعضی در مسئله مطلوب در نهی، با صیغه کار می کنند که این اشکالش این است که اولاً اثباتی است و نه ثبوتی. ثانیاً: این در همه جا قابل بحث نیست و فقط در صیغه قابل بحث است. اما در اشاره و

فعل خارجی، با این بیان نمی شود استدلال کرد. در مقابل افرادی مانند محقق خوئی با ماده کار کردند<sup>۹</sup>. و همین بیان سازگار با مبنای مختار ماست.

### **نکته هشتم، عدم امکان تعلق چیزی به عدم محض، فارغ از بحث مصلحت و مفسده**

نکته هشتم همان دقتی است که در ذیل کلام آقای خوئی مطرح شد. با اینکه ایشان ثبوتی به مساله نگاه کرد لکن نباید می گفتند که آقایان قائل اند که مصلحت الزامی در ترک نیست بلکه مفسده الزامی در فعل است لذا زجر است. خیر، اصلاً آقایان دنبال ترک نبودند. ترک لاشیء است.

### **بررسی فرمایش محقق خوئی درباره «حقیقت امر و نهی»**

آقای خوئی نسبت به مشهور تلامذه آخوند، اشکالی دارند. این اشکال، اشکال خیلی خوبی است و ایشان آن را در محاضرات بیان کرده اند و تلمیذ بزرگوارشان شهید آیت الله صدر هم مبنای استادش آقای خوئی را در نهی که بر اساس این اشکال می باشد را نقد کرده است. در ادامه می خواهیم ببینیم فرمایش آقای خوئی و نقد آقای صدر چیست؟ و سپس جواب این اشکال را داده و فرمایش آقای صدر را نیز، ارزیابی کنیم.

### **نقد محقق خوئی به مشهور درباره «حقیقت امر و نهی»**

خلاصه فرمایش آقای خوئی رضوان الله تعالی علیه، این است: آقایان یعنی شاگردان آخوند در رد این کلام آخوند که می گفت: «امر و نهی هر دو طلب هستند. منتها امر طلب وجود است و نهی طلب ترک است»، گفتند: «خیر، امر بعث است، نهی هم زجر است و هر دو به وجود می خورند.» اشکالی که آقای خوئی مطرح می کنند در واقع ناظر به همین ادعای مشهور تلامذه آخوند است و بر همین اساس قائل اند که امر بعث نیست.

حرف اصلی آقای خوئی این است<sup>۱۰</sup> که بعث به واسطه استعمال صیغه در معنایش به وجود می آید. نه این که معنای صیغه بعث است. در مورد زجر هم همین مطلب وجود دارد یعنی زجر به واسطه استعمال صیغه در معنایش به وجود می آید نه این که معنای صیغه، زجر است. اصل حرف ایشان این است.<sup>۱۱</sup>

<sup>۹</sup> خیلی انصافاً عبارت ایشان در محاضرات مورد تاکید ما و سازگار با مبنای ماست که مسئله اصولی ما این است. البته من حیث لا یشرع است. ایشان نپرداخته است به مقدماتی که ما پرداختیم.

<sup>۱۰</sup> خوب دقت کنید! چون اصل مطلبش را متأسفانه حتی شاگردش آقای صدر هم خوب بیان نکرده است. بعداً عبارت آقای صدر و آقای خوئی در محاضرات را می خوانیم.

بنابراین حرف آقای خوئی این است که نباید گفت صیغه امر برای بعث و نسبت بعثی وضع شده است و برای طلب وضع نشده است. همچنین نباید گفت صیغه نهی برای زجر یا نسبت زجری وضع شده است و برای طلب وضع نشده است. بلکه باید گفت وقتی صیغه امر در معنایش به کار می رود، بعث به حمل شایع در امر شکل می گیرد. همچنین وقتی صیغه نهی در معنایش به کار می رود، زجر شکل می گیرید و این بدان معنا نیست که معنای این ها بعث و زجر است.

بعد در ادامه مسلک خودش را گفته است. مسلک ایشان بعدها حتی مورد اختیار محققین از تلامذه خودشان هم قرار نگرفت. بعداً به بیان و بررسی مسلک ایشان خواهیم پرداخت. ایشان مبنای خاصی در وضع دارند و می گویند وضع در واقع ابراز یک امر نفسانی است. وضع یک تعهد نفسانی است. ایشان بر اساس این مبنا در وضع، می خواهد معنای امر و نهی را تبیین کنند، ولی ابتدا نقدی را نسبت به کسانی مطرح می کنند که قائل اند «امر و نهی برای طلب وضع نشده اند، بلکه امر برای بعث و نهی برای زجر وضع شده اند».

محقق خوئی به این عده می گوید امر و نهی هر معنایی که داشته باشند، وقتی در معنایشان به کار روند بعث و زجر شکل می گیرند؛ «بعث به حمل شایع» و «زجر به حمل شایع» بعد از استعمال صیغه در معنایش به وجود می آید.

### نقد فرمایش محقق خوئی بر اساس مبنای مختار

قبل از بررسی تفصیلات کلام محقق خوئی با توجه به مبنای مختار، به ایشان می گوئیم: آقای خوئی! این حرف درست هم که باشد سر صیغه درست است و در ماده امر و نهی درست نیست. اگر شما با ماده امر کار کردید و ماده امر را عنوانی برای مصادیقش قرار دادید، اصلاً بعضی از مصادیقش لفظ نیستند که این حرف را شما بتوانید در مورد آن ها مطرح کنید. اگر گفته شود امر یک عنوانی است برای بعث خارجی، بعث و خارجی که لفظ و معنا در آن نیست؛ اصلاً این اشکال یندفع بحزافیره. دیگر ریشه اش می سوزد.

این قسمت از حرف آقای خوئی دقیق است که می گوید این امر مصداقش شده است صیغه. این درست است. گاهی وقت ها مصداقش می شود اشاره. کاملاً درست است. گاهی وقت ها مصداقش می شود جمله خبری در مقام بعث. مانند «یغتسل»، «یعیید»، «یتوضاء» و مواردی از این دست که در روایات داریم. در این موارد سائل سوالی می کند

<sup>۱۱</sup> بعداً خواهید دید همین جمله فنی را آقای صدر به شکل دیگری که خواهیم خواند بیان کرده است. ایشان مطلب استادش را خوب نگفته است.

و امام علیه السلام خبر می دهد. جمله خبری در اینجا بدین معناست که دستور دادم، اطاعت شد و خبرش را هم دارم می گویم.

اگر کسی این تحلیل فنی که ما به کار بردیم را دقت کند اصل اشکال آقای خوئی مرتفع است. ایشان درست فهمیده است که صیغه افعال مصداق امر است. صیغه لا تفعل مصداق نهی است. و تحقق بعث بعضی وقت ها با صیغه افعال است. تحقق زجر با صیغه لا تفعل است بعضی وقت ها. راست هم می گوید. بله اگر کسی مسئله را در مورد صیغه مطرح کند، این درست است. اما اگر مسئله در مورد ماده مطرح شود، دیگر از ماده تکلیف صیغه را روشن می شود و در این صورت اصلاً لفظ و معنا مطرح نخواهد بود. بلکه آنچه مهم خواهد بود، تحقق عنوان امر و نهی است. اگر کسی مبنا را درست کرد و امر و نهی را درست کرد دیگر این حرف های آقای خوئی را نمی زند.

ان شاء الله در ادامه ابتدا عبارت ایشان را می خوانیم و بعد عبارت تلمیذ ایشان، آقای صدر را هم می خوانیم. متأسفانه آقای صدر اصلاً به این قسمت نپرداخته است. مسئله را به جای دیگری برده است. زیرا توجه نکرده است که فعل موضوع است و مسئله تنطق نیز از باب فعل مطرح است. ما هم به آقای خوئی همین را یادآوری می کنیم. می گوئیم: شما که خیلی قشنگ، با ماده امر و نهی کار کردی، بعد ماده امر را عنوانی برای مصادیق متعدد دانستی، و ماده نهی را عنوانی برای مصادیق دانستی، آن مصادیق هم حیث لفظ و معنا در آن ها نبود، اگر چنین است دیگر شما چرا اشکال می کنید؟

مقرر: علی اکبر اژه ای